



نقش اسطوره‌ها و سمبل‌ها در قلم سهراب سپهری
با نگاهی به تنها اثر منثور او

نزدیک «اتاق آبی» فاطمه خلجالی استاد

اینکه سهراب سپهری شاعری نوگرا و تصویرگر بود و روحی طبیعت‌دوست داشت حرف تازه‌ای نیست. بسیاری از ما با شوق نوجوانی مان سروده‌هایش را می‌خواندیم و تکرار می‌کردیم و از بر می‌شدیم، چرا که زبان ساده و بی‌تکلفش در فهم ما می‌گنجید؛ دست کم لایه نخست اشعارش حکایت از لحظه‌هایی داشت که به تجربه هر یک از ما درآمده بود:

«آب را گل نکنیم / در فرودست انگار / کفتری می‌خورد آب ویا: «دشت‌هایی چه فراخ / کوه‌هایی چه بلند / در گلستانه چه بوی علفی می‌آمد»

اما تکیه کردن اشعار سهراب بر اسطوره‌ها و سمبل‌ها که لایه نهفته‌تر آثارش را شکل می‌دهد به آسانی به چنگ هر مخاطبی در نمی‌آید. در حقیقت بیش از مخاطب عام، منتقدان و پژوهشگران ادبی بوده‌اند که درباره این بخش از سروده‌های سهراب سخن گفته‌اند و از آن نوشته‌اند.

سفرهای مختلف این شاعر معاصر به کشورهای مختلفی همچون هندوستان، پاکستان، افغانستان، ژاپن، چین، فرانسه و انگلستان و علاقه‌مندی‌اش به فراگیری فرهنگ‌های دیگر، به خصوص ملل شرقی، سبب شده بود که او دانش و آگاهی کافی درباره اسطوره‌ها و نمادها داشته باشد و آن‌ها را در آثار خود به کار گیرد. در این میان «اتاق آبی»، تنها اثر منثور او، مهجورتر از مابقی نوشته‌های سهراب است در حالی که ردپای اسطوره‌ها و نمادها در این اثر آشکارتر و پررنگ‌تر از مابقی کارهای ادبی اوست. در «میلان» این هفته، یکم اردیبهشت، سالروز مرگ این شاعر و نویسنده و نقاش اهل کاشان را بهانه‌ای برای نوشتن از این شاعر صاحب‌سبک معاصر کردیم.

دنیارآب‌بیرد سهراب را خواب‌بیرد

زندگی کردن سهراب سپهری در «لحظه حال» همان چیزی است که در اشعارش نیز ساری و جاری بوده؛ موضوعی که باعث شد عده‌ای از شاعران او را طرد کنند. مشهورترین این انتقادات شاید از آن شاملو باشد، آنجا که می‌گوید: «سر آدم‌های بی‌گناهی را لب‌چوب می‌برند و من دو قدم پایین‌تر بایستم و توصیه کنم که: آب را گل نکنید! تصور این بود که یکی مان از مر حله پرت بودیم.» به زبان ساده، منظور شاملو و عده‌ای دیگر این بود که: دنیا را آب‌بیرد سهراب را خواب‌بیرد.

و یا اخوان ثالث گفته بود: «فقط این چند شعر اخیرش است که می‌تواند پیامی را به خواننده‌اش ابلاغ کند، چون یکی از اهداف‌های شعر ابلاغ پیام است. او در اشعار

قبلی‌اش بی‌هوده به این طرف و آن طرف می‌گشت و می‌خواست کاری را انجام بدهد که دیگران انجام نداده بودند.»

اعتراض شاملو و دیگر منتقدان سهراب از آنجا ناشی می‌شد که آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی در زمانه آن‌ها قابل چشم‌پوشی نبود و بی‌توجهی سهراب به بیان این مسائل، باعث می‌شد او شاعری قلمداد کنند که رسالت هنری‌اش را درست به‌جانی آورد. بر همین اساس عده‌ای معتقد بودند سروده‌های او همانند آب روان می‌گذرد و ماندگاری ندارد. اما زمان نشان داد که اشعار سهراب بعد از مرگش و در دهه‌های بعد علاقه‌مندان بیشتری پیدا کرد و زرمه لب مخاطبانی شد که شرایط اجتماعی و سیاسی متفاوتی را پشت سر گذاشتند.

از مجموع این تفسیرها این‌طور برمی‌آید که اتفاقاً توجه سهراب به اصل و حقیقت محیط اطرافش، همان جوهره‌ای است که هر انسانی در هر زمانه‌ای به آن نیاز دارد تا به آرامش برسد.

ایستادن و مکث سهراب بر سر لحظه‌های زندگی از علاقه‌مندی او به دین «بودا» و مکتب «ذن» برمی‌خاست که شالوده آثارش را نیز تشکیل می‌دهد. می‌گویند در سال ۱۳۵۱ دکتر پرویز فروردین (روان‌شناسی که برای نخستین بار در ایران کتابی را در مورد «ذن» به زبان فارسی نوشت)، در بخشی از کتابش که می‌خواست حال گسترده را توضیح دهد یک مثال از شعر سپهری آورد.

پیروان «ذن» معتقدند زندگی با تمرکز بر لحظه حال و عمیق شدن در حقیقت محیط پیرامون، شامل صداها، بوها، نورها و... به دست می‌آید. آن‌ها با همین شیوه به سرگردانی‌ها و پریشانی‌های زندگی غلبه می‌کنند بی‌آنکه با آن‌ها سر ستیز داشته باشند. اشعار سهراب نیز حکایت همین حرف‌هاست و از همین روی است که او از آنچه در حوزه اجتماعی و سیاسی زمانه‌اش اتفاق افتاده عبور کرده است.

سمبل‌ها از در و دیوار اتاق آبی می‌ریزد

اندیشه‌های اسطوره‌ای سهراب از دیگر موضوعاتی است که بیش از این باید درباره‌اش سخن گفته شود. آنچه تاکنون در این باره بیان شده، بیشتر در بررسی اشعار «هشت کتاب» سهراب بوده و «اتاق آبی» در این میان از نگاه منتقدان ادبی جا مانده است. آن‌اندک مطالبی هم که درباره این اثر منثور نوشته شده به ساختار زبانی و مباحثی همچون تصویرسازی، واج‌آرایی، پارادوکس، جابه‌جایی موصوف و صفت و... پرداخته است؛ این در حالی است که سهراب به‌طور آشکارا در این اثر درباره سمبل‌ها و اسطوره‌ها قلم زده است.

سهراب در شعرش می‌گوید: «رخت‌ها را بکنیم / آب در یک قدمی است / روشنی را بچشیم / شب یک دهکده را وزن کنیم»

«رخت» در اینجا سمبل تعلقات مادی، ثروت‌ها، عادت‌ها و سنت‌های دست و پاگیر و کهنه است. به همین سبک و سیاق و البته با زبانی آشکارتر، در «اتاق آبی» می‌خوانیم: «عموم معنی دو مار به هم پیچیده را بلد نبود، نه از اساطیر خبر داشت و نه تاریخ ادیان خوانده بود. در چار دیواری خانه مال‌لفظ Ahimsa یا معادل آن بر زبان نرفته بود. قوس قزح کودکی من در بیرحمی فضای خانه ما آب می‌شد. عموم نمی‌دانست که بر خورد با دو کبریا به هم می‌آمیخته برای هندوی جنوب چه معنی بلندی دارد، تا ببیند خود را کنار می‌کشد، دست‌ها را به هم می‌پیوندد، زانومی‌زند و دعایی می‌خواند. هندی آمیزش دو حیوان را گرامی می‌دارد. به همان شکل که همزیستی انگل‌وار پاره‌ای از گیاهان را از دواج می‌شمارد در آثار او داد.»

سهراب سپهری در «اتاق آبی» بسیاری از عناصر نمادین را بازتاب داده است. چندان دشوار نیست که بعد از خواندن این اثر در بایسیم آن اتاق، مکانی سمبولیک و نمادین است. رنگ‌ها (آبی و زرد و سفید) و حیوانات (مار، گاو) و نیز اشکال هندسی عناصری هستند که سهراب آن‌ها را به صورت سمبل به کار گرفته تا در نهایت مخاطب را متوجه معنای نمادین اتاق آبی سازد.

گرچه افرادی که به دانش نمادشناسی احاطه دارند بهتر می‌توانند کار او را دریابند اما مهم توضیحات آشکار متن و هم ضمیر ناخودآگاه جمعی به کمک مخاطب می‌آید تا نمادها به حد زیادی رمزگشایی شود: «کف اطاق آبی، گفتم از کاهگل زرد پوشیده بود، مربع زرد بود، در شوب‌ها کاراسیما کارا کتر a مربع است و زرد است. در چین، قربانگاه خاک که تلی مربع بود از خاک زرد پوشیده بود و زرد در آن دیار رنگ زمین است. رنگ زرد و زمین آسان کنار هم نشستند.»

«اتاق آبی» سمبل نگاه خاص سهراب به زندگی است، به گونه‌ای که پس از پایان یافتنش حس می‌کنی آن اتاق ته باغ برای او تقدس دارد و کنجی پر از آرامش است.

تلاقی سپهری و هدایت

پرداختن به وجوه سوررئالیسم آثار سهراب و نیز تأثیرپذیری او از عرفان اسلامی و هندی و ژاپنی مطلب دیگری است که در اشعار او جست‌وجو شده است، بی‌آنکه در این مسیر نقبی به «اتاق آبی» زده شود. از این گذشته اشاراتی هم هست به تشابه آثار صادق هدایت و سهراب سپهری، از جمله مقاله‌ای که در سال ۸۸ در مجله «دهخدا» با عنوان «نگاهی موازی به زندگی و آثار صادق هدایت و سهراب سپهری» به قلم فرهاد طهماسبی منتشر شده است. اما در همه این پژوهش‌ها ملاک آثار سهراب سپهری اشعار او بوده است. با این توضیحات به نظر می‌رسد با توجه به اینکه «اتاق آبی» نیز ویژگی‌های سروده‌های سهراب را در خود دارند، نیاز است صاحب‌نظران نگاه نقادانه بیشتری به این اثر داشته باشند. ➤



«اتاق آبی»
سمبل نگاه
خاص سهراب به
زندگی است،
به گونه‌ای که پس
از پایان یافتنش
حس می‌کنی آن
اتاق ته باغ برای
او تقدس دارد
و کنجی پر از
آرامش است